

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وظیفه ما در برابر موج اخیر بی‌حجابی

ضرورت آگاه‌سازی بانوان در مورد حجاب

یکی از سؤالات رایج در زمینه‌ی حجاب اینست که در برابر موج اخیر بی‌حجابی در جامعه، چه باید کرد و چه عکس‌العملی باید نشان داد؟ مباحث مربوط به حجاب تقریباً به‌طور جامع بیان شده و در کتاب (حجاب و حقوق زن در ترازوی اندیشه و ایمان) و در فایل‌های مبحث حجاب در سایت اهل ولاء، قابل دستیابی است؛ اما در پاسخ به این سؤال به چند نکته اشاره می‌کنم. پاسخ کلی این است که باید عواملی که سبب سست شدن حجاب در جامعه شده‌اند را از میان برد. یکی از این عوامل، ناآگاهی است. یک گروه از خانم‌هایی که مراعات حجاب را نمی‌کنند، واقعاً بی‌اطلاع و ناآگاهند و اگر کسی با زبان محبت‌آمیز، با ادبیاتی مناسب سن و سال و تحصیلات ایشان، و با استدلال‌هایی قوی و متناسب با سطح فکری و علمی آنها، با آنها سخن بگوید و آگاهشان کند، حجاب را مراعات خواهند کرد. در این زمینه ما به‌طور جدی کار نکرده‌ایم و لنگش داریم. کسانی که می‌خواهند دیگران را به حجاب دعوت کنند، یا اطلاعاتشان ضعیف است، یا شیوه‌های درست تبلیغ را نمی‌دانند. باید این توانمندی را کسب کنیم تا به مدد الهی بتوانیم مؤثر واقع شویم.

ارائه شخصیتی جذاب از یک بانوی محجبه بهترین روش تبلیغ است

طبیعتاً شیوه‌ی رفتار، منش، شخصیت و خلقیات خانم‌های باحجاب می‌تواند مبلغ بسیار خوبی برای حجاب باشد. یک خانم باحجاب، اگر شخصی دانشمند، با شخصیت و خدوم باشد که از سر محبت، بی‌منت و بی‌چشم‌داشت حتی یک تشکر، به دیگران خدمت می‌کند، صرف‌نظر از حجابش، شخصیتی دوست‌داشتنی خواهد بود. حال، وقتی کسی به خود آن شخصیت علاقه‌مند شود، طبیعتاً خصوصیات

جنبی آن شخص نیز، مانند نوع آرایش، پوشش و رفتار او برایش جذاب و دوست‌داشتنی می‌شود. این بهترین راه تبلیغ حجاب است. بنابراین خانم‌های باحجاب، چنین وظیفه‌ای دارند. صرف‌نظر از اینکه انسان به خودی خود باید شایسته باشد، اینکه بتواند تصویر شایسته‌ای از خود به عنوان یک فرد مذهبی و مقید به دستورات دین، در دیده‌ی دیگران برجای بگذارد نیز می‌تواند بسیار مؤثر باشد. احادیث فراوانی نظیر **كُونُوا دُعَاةَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ**، یا **كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِاَعْمَالِكُمْ**، همه تأکید بر همین نکته است.

ورود به قلب افراد، زمینه ساز امر به معروف و نهی از منکر می‌شود

بارها گفته‌ایم و نوشته‌ایم؛ ما روی کسی می‌توانیم تأثیر بگذاریم که ابتدا قلب او را فتح کرده باشیم. تا شما وارد دل کسی نشوید، نمی‌توانید اندیشه‌ی او را متحوّل کنید. باید کاری کنید که با همه‌ی وجود، دوستتان بدارد؛ یعنی در دلش را به روی شما باز کند. به درون قلب او بروید، آنگاه از درون قلب او، شروع کنید با اندیشه‌ی او سخن گفتن. در این گفتگو نیز، از استدلال‌های متناسب، ادبیات مناسب و زبان محبت‌آمیز استفاده کنید، آن وقت می‌بینید که فرد مقابل واقعاً زیر و رو شد. من چگونه می‌خواهم کسی را امر به معروف و نهی از منکر کنم که مرا دوست نمی‌دارد؟ حال آنکه قرآن کریم می‌فرماید: **وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ اَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ**. ابتدا می‌فرماید: مؤمنین و مؤمنات دوستدار یکدیگر هستند؛ سپس می‌فرماید یکدیگر را امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. پس باید اول این دوستی را تأمین کرد؛ باید به نحوی عمل کنیم که در دل طرف مقابل جا کنیم. با وجود کلام نیشدار و رفتار توهین‌آمیز، تلخ، تحکم‌آمیز، مغرورانه، تحقیرگرانه و آزاردهنده، هر قدر هم مستدل حرف بزنیم، یک سر سوزن اثر که ندارد، هیچ! شاید طرف مقابل را بیشتر هم بر سر لج بیاورد و به اصرار بر عمل خلافی که مرتکب شده است، برانگیزد. بنابراین، یکی از وظایف ما، آگاه‌سازی و متقاعد کردن افراد ناآگاه است. این، کار بسیار بزرگی است. عده‌ی زیادی از افرادی که حجاب را

مراعات نمی‌کنند، جزء این گروه‌ها و با همین روش، واقعاً قابل اصلاحند؛ منتها ما کار جدّی‌یی در این زمینه نکرده‌ایم و این یکی از لنگش‌های ماست .

ضعف نفس و ایمان عاملی برای سست شدن پایه‌های حجاب و عفاف

دومین عاملی که سبب سستی در امر حجاب می‌شود، ضعف نفس است. همانطور که در کتاب «حجاب» هم گفته‌ام، همه‌ی انسان‌ها دوست دارند مورد توجه قرار گیرند؛ اما بهره‌خانم‌ها از این خصوصیت روانی به‌طور چشمگیری بیشتر است. بعضاً هم از تقوای لازم برخوردار نیستند که بپذیرند به‌جای جلب توجه دیگران با زیبایی‌های جسمانی و جذّابیت‌های جنسی، با علم و کمالات انسانیشان نظرها را به خود معطوف سازند. لذا ضعف نفس، ضعف سرمایه‌های ایمانی، ضعف تقوا، ضعف اخلاقی و معنوی، یکی از عواملی است که افراد را به این سمت می‌لغزاند. هوس‌ها و هواهای نفسانی، خصوصاً در سنین نوجوانی و جوانی ممکن است افراد را به‌سمت لذّت‌جویی‌هایی بکشاند که مقدمه‌ی آن، سست شدن پایه‌های حجاب، عفاف و حیاء باشد .

ضرورت پرداختن به جنبه‌های اخلاقی و معنوی برای ترویج حجاب

لذا روی جنبه‌های اخلاقی و معنوی هم باید کار جدّی کرد. لزومی هم ندارد که تمرکزمان را بر افراد به‌شدت بدحجاب یا بی‌حجاب بگذاریم؛ دست‌کم حجاب‌دارهایی را که هنوز بنیۀ چندان قوی‌یی ندارند، در حجاب محکم کنیم؛ یعنی کسانی را که مخالف حجاب نیستند؛ اما در معرض این قرار دارند که موج بی‌حجابی، فردا آنها را هم بی‌حجاب کند. بنابراین در جامعه، باید در جنبه‌های اخلاقی و معنوی به‌طور جدّی کار شود. گرچه صدا و سیما، دستگاه‌های حاکمیتی، آموزش و پرورش، آموزش عالی و امثال اینها دست ما نیست؛ ولی ما هم در جمع‌های اطراف خود می‌توانیم این کار را بکنیم؛ کسی که معلّم است در مدرسه، کسی که مسجدی است در بین هم‌مسجدی‌هایش، کسی که هیأتی است در بین هم‌هیأتی‌هایش، کسی که در محله‌ای ساکن است، بین هم‌محله‌ای‌هایش، کسی که در فامیلش

جوان‌هایی وجود دارند، در میان همان گروه. متأسفانه بخش عمده‌ای از جلسات دینی ما فاقد جنبه‌های معرفتی و اخلاقی است. خصوصاً در مورد جلسات آقایان اینگونه است. سه ساعت می‌نشینند و سینه می‌زنند؛ ولی یک کلمه بحث معرفتی و اخلاقی در آن جلسه مطرح نمی‌شود؛ و لذا می‌بینید افرادی که سال‌ها به این قبیل جلسات رفته‌اند، سینه زده‌اند و اشک هم ریخته‌اند، با یک موج، یک‌باره صدوهشتاد درجه عوض می‌شوند؛ چراکه بنیه‌ای ندارند؛ سال‌ها به آن هیأت رفته‌اند؛ اما صرفاً از سر عواطف و احساسات. اگر کار جدی و عمیق معرفتی و اخلاقی شود، بسیاری از کسانی که در اثر هوس و جوانی و لذت‌جویی، نسبت به حجاب سست شده‌اند یا در معرض سست شدن هستند، نجات پیدا می‌کنند. این هم کار دیگری است که در زمینه ترویج حجاب برعهده ماست.

گاهی تظاهر به بی‌حجابی، حرکتی نمادین برای اعتراض سیاسی است

این نکته را هم اشاره کرده‌ام و در کتاب «حجاب» هم نوشته‌ام. بعضاً تظاهر به بی‌حجابی، یک حرکت نمادین اعتراضی است نسبت به پاره‌ای از مشکلات که در جامعه و در عملکردهای حکومت وجود دارد، و درواقع یک نوع دهن‌کجی است. راه درست مواجهه با این پدیده هم این است که باب انتقاد و طرح ایراداتی که مردم به عملکردهای مسؤولین دارند، به نحو منطقی گشوده شود. امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نامه‌ای که به مالک اشتر نوشتند، فرمودند: شیوه‌ای در پیش بگیر که هرکس به محل کار تو مراجعه کرد، بتواند نزد تو بیاید و بدون اینکه دچار لکنت زبان شود، مشکلش را مطرح کند و ایراد و اشکالی که به نظرش رسیده است را بیان کند. اگر باب نقد و بیان ایرادات و اعتراضات به نحو صحیح گشوده شود، دیگر کسی در صدد برنمی‌آید که برای نشان دادن اعتراض خود به عملکردهای حاکمیت، از اینگونه نمادها استفاده کند. متأسفانه این باب به‌طور درست گشوده نیست و به همین دلیل، افراد اعتراضات خود را از راه‌های دیگری ابراز می‌کنند؛ راه‌هایی که گروه‌های دشمن و خائن هم در آن حضور پیدا می‌کنند و با سوءاستفاده از همین بسترها، موج‌های آسیب‌زننده‌ی اجتماعی ایجاد می‌کنند.

باب نقد و اعتراض را ببندیم

اگر مریض حق نداشته باشد بگوید من مریضم، تب دارم، تنم درد می‌کند؛ مریضی‌اش رشد می‌کند و او را می‌کشد. وانگهی، تا کی می‌توانیم جلوی این فرد را بگیریم که آه و ناله نکند؟ بالاخره از یک جا به بعد، وقتی درد و تبش بیشتر شد، فریاد می‌زند که من تنم درد می‌کند. باید راه را باز گذاشت تا فرد مبتلای به درد و بیماری، بتواند از همان لحظه‌ی اول، درد و بیماریش را ابراز کند. در وهله‌ی بعد هم باید خیرخواهانه به سمت حلّ و رفع مشکل و درد او رفت. همانطور که قبلاً هم عرض کرده‌ام، برخورد با افرادی که واقعاً سوءاستفاده‌گر هستند، بسیار مهم است. وقتی مرتباً گزارش می‌آید که اینجا اینقدر هزار میلیارد، آنجا آنقدر هزار میلیارد، آنجا آنقدر هزار میلیارد دزدی و سوءاستفاده شد، طبیعی است که یک عده از کوره در می‌روند و می‌گویند اینها حقوق ماست که دارد به تاراج می‌رود. حال، اگر ما راه صحیح بیان انتقادات و اعتراضات را به روی آنها ببندیم، برای اینکه اعتراضشان را ابراز کنند، از راه‌های دیگری وارد می‌شوند و مثلاً حجابشان را برمی‌دارند. درحالی‌که اگر با آن مسؤول و مدیر متخلف که باب غارت از بیت‌المال و حقوق مردم را باز کرده، برخوردی جدی صورت گیرد و چهارتا از آنها را اعدام کنند، مردم دلشان خنک می‌شود. بنابراین، بی‌حجابی بعضاً یک حرکت نمادین اعتراضی سیاسی است و ریشه در بی‌اعتقادی، بی‌دینی، لذت‌جویی، فسق، فجور، فساد و فحشاء ندارد. اگر سبب‌شناسی کنیم و سبب‌ها را از بین ببریم، آنگاه زمینه‌های بی‌حجابی در جامعه‌ی ما به‌طور طبیعی منتفی می‌شود. اگر واقعاً راه‌های فساد، غارت بیت‌المال، تبعیض و حق‌کشی و ایجاد هزار فامیل در حکومت را ببندیم و همه‌ی مردم فرصت دسترسی به سمت‌ها و جایگاه‌های شغلی را در جامعه داشته باشند؛ اگر راه‌های اعتراض قانونی نسبت به هرکس در هر مقامی که هست را در مراجع قضایی برای مردم باز کنیم و دادگاه‌ها هم بدون پارتی‌بازی به شکایات و اعتراضات مردم رسیدگی کنند، و اینکه من مسؤول، جزو بیت یا دفتر فلانم، مرا از رسیدگی به اتهاماتم معاف نکند و به‌خاطر این امتیازات، مرا با همه‌ی تخلفاتی که مرتکب شده‌ام، تبرئه نکنند؛ اگر این امور، عملی شود، زمینه‌ی اینچنین اعتراضاتی در

جامعه از میان می‌رود. البته اینها مشکلاتی است که حل آن، دست ما اهل این جلسه نیست؛ دست حاکمیت است. حاکمیت باید به‌طور منطقی در شیوه‌ی ادارهٔ حکومت تجدیدنظر کند. یقیناً اگر تصحیحاتی انجام شود، اینگونه حرکت‌های اعتراضی هم شکل نمی‌گیرد. انقلابی که به قیمت این همه خون و به قیمت این همه سرمایه‌های عظیم و عزیز جامعه، به نتیجه رسید و پیروز شد، و پس از پیروزی نیز در جنگ و دیگر صحنه‌ها این همه شهید داده‌ایم و هزینه کرده‌ایم، به‌راستی گوهر گرانبهایی است. با لجاج، اصرار، بی‌اعتنایی و اهمّیت ندادن به کسانی که انتقاد و اعتراضی دارند، کلیت انقلاب را به باد ندهیم، که در این صورت، در پیشگاه خدای متعال و اهل بیت علیهم‌السلام و در برابر شهدا مسؤول خواهیم بود. باید دعا کنیم مسؤولین ما به فکر بیفتند و عملکردشان را اصلاح کنند.

لزوم بر خورد متواضعانه مسؤولان

مسؤولان باید قدری از دگم خودشان کم کنند. کمی متواضعانه‌تر با مردم برخورد کنند. برخورد متواضعانه هم این نیست که من مسؤول صرفاً در سخنرانی بگویم کوچک شما هستم، خاک پای شما هستم؛ خیر! عملکرد من باید نشان دهد که به‌راستی اینگونه‌ام. باید برای دیگران حرمت و حق انتقاد قائل شوم و خودم را در معرض انتقاد قرار دهم؛ در آینه‌ی انتقادات دیگران، عیب‌های خود را ببینم، بشناسم و درصدد تصحیح آنها برآیم. باید طوری باشم که در اجرای عدالت و حق، دوست و غریبه برای من فرق نکنند. اینها جملاتی است که در نهج‌البلاغه امیرالمؤمنین علیه‌السلام و دیگر منابع روایی آمده است. در کتاب «مدیریت اسلامی» هم تا حدودی به این موضوع اشاره کرده‌ام که یک مدیر اسلامی در جامعه چگونه باید عمل کند. ما به‌عنوان آحاد ملت، در این عرصه چندان قدرت و اختیاری نداریم؛ ولی در موقعیت‌هایی نظیر انتخابات که میدانی برای گشایش باب اینگونه اصلاحات در اختیار داریم، باید سعی کنیم نقش خود را بین خود و خدا، به نحو خداپسندانه‌ای ایفا کنیم و از صحنه‌هایی که وظیفهٔ ما حضور در آنهاست، غائب نباشیم.

شیوه‌های صحیح و تأثیرگذار امر به معروف و نهی از منکر را یاد بگیریم

همانطور که اشاره کردیم، رفع عوامل تظاهر لجاجت به بی‌حجابی چندان دست ما نیست؛ ولی رفع عواملی که پیش از آن بیان کردیم، از دست ما برمی‌آید؛ و آنچه از دست ما برمی‌آید، بر عهده ماست. بدین علت که بخشی از کار از عهده ما بر نمی‌آید، مسؤولیت مواردی که از عهده ما برمی‌آید، از دوش ما ساقط نمی‌شود. بنابراین ان شاء الله همت کنیم هم اطلاعاتمان را در این زمینه بالا ببریم، و هم سعی کنیم شیوه‌های درست امر به معروف و نهی از منکر را خوب فرا بگیریم. دستکم پانزده شانزده سال پیش، در مجموعه درس‌هایی از مکتب عاشوراء، دو سه جلسه در موضوع امر به معروف و نهی از منکر نکاتی گفته ام. لاقلاً این فایل‌ها را گوش کنید، یا چهارتا کتاب راجع به شیوه‌های درست امر به معروف و نهی از منکر، و تبلیغ بخوانید و فوت و فن آن را یاد بگیرید. منطق حجاب را خوب بیاموزید. روحمان، روح محبت باشد؛ یعنی کسی که به حجاب بی‌اعتنایی می‌کند، به هر دلیلی هم که باشد، لجاجت یا جاهلان یا هوس‌بازانه، به چشم یک مجرم به او نگاه نکنیم که باید مجازات شود؛ بلکه به چشم یک بیمار نگاه کنیم و به‌عنوان یک طبیب حاذق که به‌راستی و با تمام وجود بیمارش را دوست دارد، به‌سمت او برویم و از سر محبت معالجه‌اش کنیم. اگر آن منطق و استدلال، آن شیوه درست امر به معروف و نهی از منکر و این شیوه محبت‌آمیز در کار ما باشد، بالاخره تأثیر می‌گذارد. ولو روی یک نفر تأثیر بگذاریم، خدا می‌داند چقدر ارزش دارد! این روایت را بارها برایتان خوانده‌ام؛ در یکی از جنگ‌ها شاید جنگ جمل، امیرالمؤمنین علیه‌السلام تعلل می‌کردند و جنگ را شروع نمی‌کردند. یکی از اصحاب خدمت حضرت آمد و عرض کرد یا امیرالمؤمنین! شما که می‌دانید پیروزیمان قطعی است! چرا اینقدر کار را به عقب می‌اندازید و دستور حمله نمی‌دهید؟ حضرت فرمودند در یکی از جنگ‌های زمان پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همین اتفاق افتاد و من عین سؤال تو را از رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرسیدم. پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: من تعلل می‌کنم تا ولو شده یک نفر از سپاه مقابل به این سمت بیاید و هدایت شود. سپس فرمودند: **يَا عَلِيُّ! لِأَنَّ يَهْدِي اللَّهُ عَلَى يَدَيْكَ** رجلاً خَيْرَ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَ غَرَبَتْ: ای علی! اگر خدا یک نفر را به‌دست تو هدایت کند، ارزش

آن بیش از چیزهایی است که پرتو خورشید بر آن می‌تابد؛ یعنی دست‌کم کلّ منظومه‌ی شمسی. بنابراین اگر موفق شویم حتی یک نفر را هدایت کنیم، چنین ارزشی دارد. قرآن کریم فرمود: **مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمْ أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا**: اگر کسی یک نفر را احیاء کند، ارزش آن بیش از این است یا لااقل معادل این است که همه‌ی بشریت را زنده و احیاء کرده باشد. حقیقت این احیاء، حیات معنوی است. این است که اگر خدا به ما توفیق دهد حتی یک نفر را به حجاب، عفاف و تقوا پایبند کنیم، چنین ارزش عظیمی دارد. اگر شیوه‌ی کار را درست انتخاب کنیم و نیتمان هم خالص برای خدا باشد، واقعاً این اتفاق می‌افتد. بنده در دوران عمر، خودم مکرراً چنین صحنه‌ای را دیده‌ام. در دوران تدریس در دانشگاه، بدون اینکه افراد را اذیت کنم یا به آنها فشار بیاورم، به‌شدت به حجاب پایبند و علاقه‌مند می‌شدند. از اثربخشی مایوس نباشید. اگر خالصانه برای خدا و با مراعات نکته‌هایی که عرض کردم وارد شویم، واقعاً اثر می‌کند و از این رهگذر، افرادی متحوّل می‌شوند و خود آنها می‌توانند مبلغی برای حجاب در جامعه شوند. این چند نکته بود که در پاسخ به سؤالی که مطرح شد، به ذهنم آمد. قطعاً نکات دیگری هم هست که اگر فرصت بیشتری داشتم، خدمتان می‌گفتم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ